

جستاری در ماهیت نظام مجازات‌ها در حوزه حقوق جزا و جرم‌شناسی اسلامی



دکتر سید محمد رضا موسوی فرد، استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی
پیمان منصوری، دانشجوی دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی
حسین نوروزیان، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی
امیر سالار دریایی، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

تنوع و گوناگونی پاسخ‌های کیفری، بخشی از تنوعات معنادار و حکمت‌آمیز سیاست جنایی در اسلام می‌باشد. از جمله نموده‌ها و نمادهای این حکمت تشریعی جزایی، تشریع کیفرهای ثابت و معین (حدود) و مجازات‌های نامعین و انعطاف‌پذیر (تعزیرات) می‌باشد. برداشت صحیح از ادله شرعی و منطبق با اهداف دین اسلام و فلسفه مجازات‌ها در سیاست کیفری اسلام اقتضا دارد که حدود و تعزیرات به عنوان دو نوع پاسخ کیفری به دو دسته جرایم؛ یکی معین و قطعی که در مقابل جرایم مهم و غیر قابل اغماض اعمال می‌گردد و دیگری نامعین و غیر قطعی که حدود تعیین و میزان آن بسته به اختیار قاضی است؛ تبیین شود. لکن وجود اختلاف شدید آراء فقهی راجع به جوانب کیفرهای مختلف حدود و خاصه تعزیرات، نشان دهنده ناشناختگی ماهیت واقعی کیفر در فقه و حقوق ایران می‌باشد. این ناشناختگی فقهی موجب آن شده است که در سیاست جنایی تقنینی و نیز قضایی، در جمهوری اسلامی ایران، نتایج مثبت مورد انتظار از این تنوع ابزارهای جزایی کمتر به دست آید و تفاوت‌هایی در این دو پاسخ کیفری به وجود آید. در این راستا نگارنده با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به تبیین جایگاه کیفر در فقه و حقوق جزای ایران می‌پردازد. واژگان کلیدی: کیفر، حدود، تعزیرات، سیاست جنایی، فقه و حقوق ایران



درآمد

کیفر ابزار سنتی جوامع بشری در زمینه پاسخ‌دهی به بزهکاران است که با کارکردها و اشکال متعدد به دنبال اصلاح مجرمین و ارعاب آنان و دیگران بوده است. ضرورت کیفر پس از شکل‌گیری دولت‌ها و پس از گذر از واکنش‌های انتقام جویانه و خصوصی، کم‌کم سازمان و انسجام گرفته و مجازات‌ها به اشکال گوناگون اعمال شده است. مجازات و جرم دو زوج جدایی‌ناپذیرند. پیوند ضمانت اجرای کیفری با جرم پیوندی تاریخی و قانونی می‌باشد. ضمانت اجرای کیفری یک زبان و وسیله ارتباطی است و حامل پیام تهدید، یادآور اصول اولیه عدالت، حامل حق و تأکید کننده بر ارزش‌های جامعه می‌باشد؛ زیرا عدالت کیفری مانند سایر عدالت‌ها شاخص‌ترین و رؤیت‌پذیرترین عدالت‌هاست و شامل ابزار قهرآمیز می‌باشد. مجازات از ملاحظات اجتماعی دور نیست و کیفر نمودی از حاکمیت ملی است. مجازات و کیفر نمودن بزهکاران در طول ادوار و قرون مختلف تاریخ متفاوت و هدف‌های متفاوتی را در برداشته است؛ بنابراین شیوه‌های پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه نیز ارتباط تنگاتنگی با اهداف مجازات‌ها داشته است؛ به طوری که امروزه سیاست جنایی دولت‌ها نیز با توجه به همین اهداف شکل‌گیری و ساماندهی می‌گردد. به منظور تعیین شکل واکنش اجتماعی مناسب در مقابل بزهکار و در هر مورد ملموس، در محدوده‌های بسیار وسیعی که قانون برای او مشخص می‌نماید، ضروری است قاضی رسیدگی کننده کیفیات و روش‌های موجود برای اجرای مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی را بشناسد

تا بتواند کیفر یا اقدام تأمینی را با توجه به شناختی که از شخصیت بزهکار دارد، انتخاب کند تا به وی اجازه دهد، در بهترین شرایط به سازگار سازی مجدد اجتماعی دست یابد. اصولاً کیفرها با توجه به نسبت موجود بین آنها یا به عبارتی دیگر بر حسب درجه به مجازات‌های اصلی، مجازات‌های تکمیلی (تتمیمی) که خود به دو نوع کیفر تکمیلی اجباری و تکمیلی اختیاری می‌باشد و همچنین کیفرهای تبعی منقسم می‌گردند. بر این اساس می‌توان مجازات‌ها را به کیفرهای محدودکننده آزادی، کیفرهای سالب آزادی، کیفرهای بدنی، کیفرهای مالی، کیفرهای محدودکننده فعالیت‌های حرفه‌ای، کیفرهای محدودکننده اعمال برخی از حقوق و کیفرهای لطمه زننده به شهرت تقسیم نمود. برای اینکه یک «سیاست کیفری» هم‌زمان، کارآمد، عادلانه و انسانی باشد، لازم است در پیش‌بینی و اجرای ضمانت اجرای کیفری، متناسب با تنوع جرایم، گوناگونی مجرمان و تفاوت شرایط ارتکاب بزه، از انواع و مقادیر مختلف مجازات‌ها بهره جوید. در سیاست کیفری اسلام، با تشریع کیفرهای ثابت و معین (قصاص، دیات و حدود) و مجازات‌های نامعین و انعطاف‌پذیر (تعزیرات)، این تنوع کیفی و نوسان کمی به خوبی دیده می‌شود. لکن وجود اختلاف شدید آرای فقهی راجع به جوانب مختلف حدود و خاصه تعزیرات نشان دهنده ناشناختگی ماهیت واقعی این دو نوع کیفر در فقه است. این «ناشناختگی» فقهی موجب آن شده است که در سیاست جنایی تقنینی و نیز قضایی در جمهوری اسلامی ایران، نتایج مثبت مورد انتظار از این تنوع ابزارهای

جزایی کمتر به دست آید.^(۱) درواقع تنوع و گوناگونی پاسخ‌های کیفری، بخشی از تنوعات معنادار و حکمت‌آمیز سیاست جنایی در اسلام و ایران است. از جمله نموده‌ها و نمادهای این حکمت تشریعی جزایی عبارت است از تشریع گونه‌های مجازات حدود، قصاص و تعزیرات. تعاریف حد و تعزیر در فقه و به تبع در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران و اختلاف اقوال و آرای فقهی راجع به قلمرو، انواع و احکام حدود و تعزیرات، مشکلات و محذورات متعددی در پی دارند. با توجه به موارد معنونه، نگارنده در پژوهش پیش رو در پی شناخت و تبیین جایگاه کیفر در نظام مجازات‌ها و حقوق ایران، همچنین شناخت خلأها و چالش‌های پیرامون ضمانت‌های اجرای کیفری با توجه به مقتضیات زمان و مکان و ارائه راهکارهایی در راستای مرتفع نمودن آن می‌باشد.

۱- مفهوم‌شناسی

جامعه برای تنظیم روابط اجتماعی میان مردم و حفظ اساسی‌ترین ارزش‌های حاکم بر آن ناچار است علیه بزهکاری و هنجارشکنی از خود واکنشی بایسته نشان دهد. بدیهی است واکنش مذکور باید به شکلی سامان‌یافته و با توجه به اهدافی خاص ابراز گردد. همین اندازه که بزهکار با رفتار خود از مرزهای قانون فراتر رفت و به نقض قواعد مقبول جامعه مبادرت کرد، عنصری قانونی در رفتار او انعکاس می‌یابد (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۴۵/۱). با ذکر مقدمه فوق نگارنده در قسمت پیش رو سعی در بررسی مفهوم ضمانت اجرا، انواع کیفرها و همچنین اهداف آنان دارد تا زمینه را برای درک بهتر مفاهیم بخش‌های مابعد مقاله فراهم سازد.

۱-۱-۱- مفهوم کیفر

ضمانت اجرای کیفری یک زبان و وسیله ارتباطی است و حامل پیام تهدید، یادآور اصول اولیه عدالت، حامل حق و تأکید کننده بر ارزش‌های جامعه می‌باشد؛ زیرا عدالت کیفری مانند سایر عدالت‌ها شاخص‌ترین و رؤیت‌پذیرترین عدالت‌هاست و شامل ابزار قهرآمیز می‌باشد. مجازات از ملاحظات اجتماعی دور نیست و کیفر نمودی از حاکمیت ملی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۶۸). واژه کیفر^(۲) از لحاظ لغوی عبارت است از پاداش نیک و بد، جزا و مجازات که در معنای عام کلمه بیشتر با واژه آخر مترادف می‌باشد. معانی دیگر واژه کیفر، انتقام، تأدیب، تقاص، تنبیه، جزا، عقوبت و مجازات می‌باشد (دهخدا، ۱۳۴۶: ۱۱۵/۵). کیفر یا مجازات به تحمیل عملی رنج‌آور بر شخصی دیگر گفته می‌شود که پیامد عمل آن شخص باشد. این واژه بیشتر به تنبیهات و جریمه‌هایی اشاره دارد که مقامات قضایی برای افرادی در نظر می‌گیرند که مقررات مهم جامعه را پایمال کرده‌اند؛ یعنی مرتکب جرم شده‌اند. از لحاظ حقوقی، مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم اعمال می‌شود و توأم با رنج و تعب است و همین رنج و تعب مشخصه حقیقی مجازات است. مجازات عبارت است از تدابیری که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن و برای شخصی که مقصر است، بر طبق قانون تعیین می‌کند و آسیب عبارت است از صدمه‌ای که متوجه حقی از حقوق مجرم؛ مثل حیات، آزادی، مال و حیثیت می‌شود (باهری، ۱۳۸۱: ۲۷۸).

۲-۱- مفهوم کیفرشناسی^(۳)

کیفرشناسی یا علم اجرای مجازات‌ها، دانش جدیدی است که سابق بر این دامنه‌اش محدودتر بوده و عنوان دیگری هم داشته است. عنوان سابق این علم همانا علم اداره زندان‌ها^(۴) بوده و چون این علم پس از انقلاب کبیر فرانسه به وجود آمده و صرفاً در مورد نحوه اجرای مجازات‌ها در محیط بسته زندان‌ها و چگونگی اداره کردن امور زندان‌های قدیم بحث کرده است، طبیعی است عنوانش نیز متناسب با محتویاتش بوده است (صلاحی، ۱۳۹۲: ۴۱). کیفرشناسی عبارت است از «مطالعه مجازات‌ها و چگونگی و نحوه اجرای آنها». پس کیفرشناسی علم کیفر و چگونگی اجرای آن است (آشوری، ۱۳۸۲: ۶۲). در تعریفی دیگر علم کیفرشناسی را می‌توان چنین بیان نمود: «کیفرشناسی یکی از رشته‌های جدید علوم جزایی است که درباره انواع مجازات‌ها و نحوه اعمال و اجرای آنها از طریق یافتن بهترین راه تطبیق مجازات‌ها با شخصیت مجرمین و بالاخره چگونگی اداره زندان‌ها و اصلاح و تربیت محکومین، بحث می‌نماید» (صلاحی، پیشین: ۴۳).

کیفرشناسی؛ «علم مطالعه انواع واکنش‌های اجتماعی علیه جرم اعم از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی» از این جهت برای ما جالب است که ما از مجازات‌ها از یک سو به منظور سزا دادن بزهکاران و از سوی دیگر پیشگیری از جرم سایرین استفاده می‌کنیم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

۲- اهداف کیفر و شیوه‌های

پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه

مجازات و کیفر نمودن بزهکاران در طول ادوار و قرون مختلف تاریخ متفاوت

بوده، هدف‌های مختلفی را در برداشته است؛ بنابراین شیوه‌های پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه نیز ارتباط تنگاتنگی با اهداف مجازات‌ها داشته است؛ به طوری که امروزه سیاست جنایی دولت‌ها نیز با توجه به همین اهداف شکل‌گیری و سامان‌دهی می‌گردد. با عنایت به موارد ذکر شده، نگارنده در این مبحث سعی در بررسی اهداف و شیوه‌های پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه از منظر سیاست جنایی نموده است.

۱-۲- اهداف کیفرها

با توجه به پیشرفت‌های تمدن در طول قرون مختلف و ظهور افکار و نظریات جدید اخلاقی، اجتماعی، فلسفی، قانون‌گذاران جامعه درصدد برآمده‌اند که مجازات‌ها را بر اساس هدف خاصی که بر آنان منطبق می‌کنند، استوار سازند. در ادامه این نوشتار اهداف مختلف مجازات و کیفرها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲- کارکرد اخلاقی کیفر

باید دانست که عدالت و اخلاق از قدیمی‌ترین اصولی بوده‌اند که در جوامع مختلف بشری بر مجازات اثر گذاشته و کیفر اعمال مجرمانه را به وسیله اجتماع پدید آورده‌اند. به همین جهت هنوز هم در بسیاری از کشورها کیفر دادن به مجرمین را با اصطلاحاتی؛ نظیر اجرای عدالت بیان می‌نمایند و به دستگاه قضایی نیز عناوین «عدالتخانه» یا «دادگستری» می‌دهند.

نقش اخلاقی مجازات‌ها بر اصل «جبران خطا» می‌باشد که هر کس خطایی مرتکب شود یا زبانی به اجتماع یا به افراد دیگر وارد آورد، باید آن را جبران نماید. البته با اینکه امروزه امر مجازات و کیفر مجرمین از اصول و ضوابط جدیدی پیروی



از تکرار آن را فراهم نماید (همان: ۳۲).
۱-۳- بازسازگارسازی اجتماعی

بزهکار

سیاست‌های جنایی درصدد اجتناب از ارتکاب جرایم جدید به‌وسیله یک مجرم با استفاده از مجازات به منظور اصلاح او است.^(۱۰) تأدیب در زبان روزمره هم به معنای «به کردن» و هم به معنای «تنبیه کردن» و «دوباره تربیت کردن از طریق تنبیه» است؛ بنابراین اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا بازنگردد. البته مراد بهبود اخلاقی بزهکار نیست؛ زیرا برای حقوق کیفری، بهبودی اجتماعی که مجرم سابق را به سوی پیروی از قواعد اولیه زندگی در جامعه سوق می‌دهد، کافی است (بولک، پیشین: ۳۳)؛ بنابراین اگر ملاحظه می‌شود که امروزه در سیستم‌های جدید جزایی، اصل شخصی کردن مجازات‌ها؛ یعنی انطباق کیفرهای مختلف با روحیه، اخلاق و شخصیت هر یک از مجرمین مورد توجه قرار گرفته است. این امر بر اثر توجه مخصوص به حقوق فردی و شخصیت انسانی مجرمین بوده که از قرن نوزدهم میلادی به بعد به طور جدی مورد نظر فلاسفه و متفکرین قرار گرفته و بالاخره در قرن بیستم به نتایج مطلوب منتهی گردیده است. لازم به تذکر است که با وجود توجه خاصی که امروزه نسبت به اصلاح و تربیت مجرمین و رعایت شخصیت انسانی آنان می‌شود، با این حال مسئله تنبیه و تنبیه مجرم هنوز کاملاً فراموش نگردیده و می‌توان آن را یکی از هدف‌های فرعی و ثانوی مجازات‌های سالب آزادی دانست (همان: ۳۴-۳۵).

رسالت «انطباق‌پذیری» در مجازات‌هایی

در تشکیلات کیفری نوین توجه دارند. فشار افکار عمومی در این مورد بی‌تأثیر نیست و زمانی که ارتکاب بعضی جرایم بیشتر می‌شود، عده‌ای از نحوه برخورد توأم با گذشت و اغماض دادگاه‌ها با محکومان به خشم می‌آیند و به این موضوع توجه ندارند که گسترش و رشد بزهکاری به عوامل دیگری غیر از تضعیف ارباب‌انگیزی جمعی و پیشگیری عام که از چنین رژیم‌های ناشی می‌شود، مربوط است (بولک، پیشین: ۳۲). تئوری اربابی بودن مجازات‌ها تاکنون مراحل تطوّر بسیاری را طی نموده است. از قرن هیجدهم میلادی به بعد در کشورهای ایتالیا، انگلستان، بلژیک و فرانسه، حقوقدانان و فلاسفه‌ای، چون بکاریا،^(۶) هوارد،^(۷) پرنس^(۸) و شارل لوکاس^(۹) پیدا شدند که با شدت عمل نسبت به مجرمین و اعمال مجازات‌های سخت و شدید مخالفت کرده (صلاحی، پیشین: ۳۱) و تئوری اربابی بودن کیفرها را نادیده می‌انگاشتند. اگرچه امروزه جنبه اربابی بودن مجازات‌ها تنها هدف و منظور قانون‌گذاران را تشکیل نمی‌دهد، ولی هنوز هم نقش اربابی مجازات‌ها به کلی از سیستم کیفری حذف نگردیده و ارزش خود را کاملاً از دست نداده است. البته این نکته مسلم است که اگر ترس و رعب از مجازات و کیفر نباشد، بسیاری از افراد یا به علت ضعف نفس شخصی و یا به علت وسوسه‌های شیطانی و علل دیگر، از ارتکاب جرم باکی نداشته و از تجاوز و تعدی به حقوق جامعه و افراد آن خودداری نخواهند کرد؛ بنابراین ترس از مجازات هم به موقع خود یکی از عواملی است که می‌تواند تا حدود زیادی موجبات جلوگیری از ارتکاب جرم و یا خودداری

می‌کند که بیشتر مبتنی بر اصلاح این گروه است، ولی هنوز هم دو اصل اخلاق و عدالت در میان قانون‌گذاران اجتماعات مختلف طرفداران زیادی داشته و عده کثیری معتقدند که پیروی از عدالت و اخلاق ایجاب می‌کند تا هر بزهکار نسبت به اهمیت جرم خود مورد تنبیه و مجازات قرار گیرد (صلاحی، پیشین: ۲۹). مدت‌هاست که عدالت کیفری سعی می‌کند با آرامش و بی‌طرفی به وظایف خود عمل کند. امروزه عدالت عبارت از مقایسه خسارت وارده به جامعه با خطای اخلاقی مباشر و به دنبال آن، تعیین میزان کیفر (بولک، ۱۳۸۷: ۳۰). طرفداران تأثیر اخلاق و عدالت در مجازات‌ها عقیده دارند که تنبیه اخلاقی مجرم چیزی است که با واقعیت‌های اجتماعی ارتباط کامل دارد؛ زیرا عدالت و اخلاق از اصولی هستند که برای حفظ نظام اجتماعی در جوامع بشری دارای کمال اهمیت می‌باشند (صلاحی، پیشین: ۲۹-۳۰).

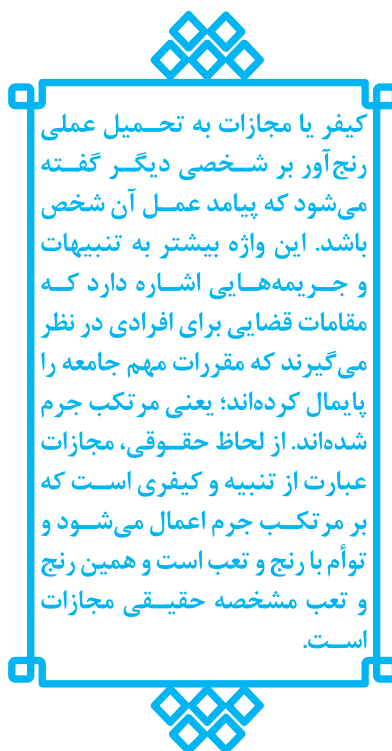
۱-۲- عبرت‌آموزی و ارباب انگیزی

منظور از جنبه اربابی مجازات این است که به وسیله اعمال کیفر نسبت به مجرمین، اشخاص غیر مجرم و آنهایی که قصد ارتکاب جرم دارند، مرعوب شده و گرد ارتکاب جرم نگردند و از طرف دیگر خود مجرم از ارتکاب جرم صرف نظر نماید (همان: ۳۰). هدف مزبور به ویژه در قالب اعمال تنبیه‌های وحشتناک و بی‌رحمانه، به منظور ترساندن بزهکاران احتمالی، جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمین^(۵) و به وحشت انداختن اطرافیان آنان از طریق نمایش صحنه تنبیه تحقق می‌یافت. قانون‌گذاران و قاضی همچنان نسبت به هدف ارباب‌انگیزی

که حذف و طرد قطعی محکوم را به دنبال نداشت، هرگز کاملاً نادیده گرفته نشده است. چیزی که با گذشت زمان و توسعه شناخت‌های علمی در این خصوص تغییر کرده است، بیشتر بینش و تصوّر بهترین وسایل و امکانات برای اصلاح فرد است. تحوّل اندیشه‌ها در این خصوص که به تدریج از مفهوم «ضمانت اجرا»^(۱۱) به مفهوم «رفتار اصلاحی»^(۱۲) روی آورده، مشاهده خواهد شد. در بین اصولی که در سال ۱۹۴۵ اعلام و منشور «اصلاح زندان‌ها» نام گرفت، اصل رژیم پیشرفت مرحله‌ای زندان^(۱۳) به منظور انطباق نحوه رفتار معمول نسبت به زندانی با توجه به قابلیت و میزان اصلاح او به اجرا درآمد (بولک، برنار، پیشین: ۳۴-۳۳). شایان ذکر است که اعمال روش‌های جرم‌شناسی علمی، در سیاست اجرای مجازات‌ها به منظور کشف اخلاق و رفتار خاص هر یک از مجرمین و یافتن بهترین طرق اصلاح و تربیت آنان، تاکنون نتایج درخشانی در کشورهای مختلف به بار آورده است.

۲-۱-۴- کارکرد سلب توان بزهکار
این نوع مجازات‌ها به ویژه در دوران کهن جاری بوده‌اند، به خصوص که طرد، اثر ارباب‌انگیزی عمومی را به مزیت آسوده کردن جامعه از شرّ یک عنصر مخل می‌افزوده است. مجازات طردکننده علیه جرایمی به کار برده شده که شدتشان آنچنان بوده که مکافات‌ناپذیر به نظر می‌رسیده‌اند و تحمیل یک ضمانت اجرای کیفری شدید در مورد آنها، به منظور پاسداری از نظم عمومی، ضروری به نظر آمده است. این مجازات، زمانی که کوشش‌های انجام شده به منظور انطباق‌پذیر ساختن مجدد اجتماعی

بزهکار با شکست روبرو شده است، اعمال می‌گردد (همان: ۳۴).



در چنین موردی، رسالت فایده‌گرایی کیفر از طریق حذف و طرد مجرم به اجرا درمی‌آید. چنین هدفی به وضوح با اجرای مجازات مرگ حاصل می‌گردد؛ لیکن این نوع کیفر تنها روش برای رسیدن به این هدف نیست؛ اخراج از جامعه، تبعید، سلب دائم آزادی و انتقال دائمی مجرمین به مستعمرات یا مناطق دوردست با همین اهداف اعمال شده‌اند (همان: ۳۵).

۲-۲- شیوه پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه
برای حقوقدانان کیفری، جرایم و رویدادهای کیفری همواره پاسخ قضایی از نوع کیفری می‌طلبد؛ به عبارت دیگر در ذهن حقوقدانان، سیاست جنایی به جرم و پاسخ کیفری به آن؛ یعنی به مفهوم مضیق آن (سیاست کیفری) محدود می‌شود. لذا نگاه حقوقدانان کیفری به

انتظام اجتماعی در مقابل جرم، نگاه تک‌محوری است و آن محور حقوق و نظام کیفری است، اما از منظر سیاست جنایی، در مفهوم موسع، نظام کیفری یکی از ساز و کارهای نظام‌های مبارزه با جرم است. آری، حقوق جزایی هسته اصلی سیاست جنایی را تشکیل می‌دهد و نظام کیفری بخش و بازوی آشکار و قابل رؤیت سیاست جنایی در مقابله با معارضان با قانون است؛ اما نظام‌های دیگر؛ از جمله نظام پیشگیری نیز در سیاست جنایی وجود دارد که خارج از عدالت کیفری، به پدیده مجرمانه؛ یعنی انحراف و جرم پاسخ می‌دهند. سیاست جنایی از مدل‌های گوناگون انتظام اجتماعی^(۱۴) نیز که یکی از آنها مدل کیفری است، استفاده می‌کند، اما امکان استفاده از مدل‌های دیگر نیز وجود دارد. به طور کلی مدل‌های پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه را می‌توان این‌گونه تقسیم نمود:

- ۱- مدل سزادهی؛ ۲- مدل درمانی؛
- ۳- مدل جبرانی؛ ۴- مدل ترمیمی؛
- ۵- مدل مدیریت ریسک مجرم.

۲-۲-۱- مدل سزادهی^(۱۵)
این مدل مبتنی بر پاسخ‌دهی کیفری به جرم است. مسئولیت کیفری قبل از هر چیز در این مدل، یک مسئولیت فردی است. پاسخ به جرم از یک رابطه عمودی تبعیت می‌کند؛ به این معنا که قاضی بدون توجه به نظر مجرم، خود رأساً حکم را صادر می‌کند. در اینجا، نظام سزادهی از طریق تعقیب و محاکمه کیفری و انعکاس اخبار آن در رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی جنایی، در مقام سزا دادن به مجرم است. در این مدل، جنبه نمادین سزادهی پررنگ بوده، رؤیت‌پذیری بالایی دارد.



مذاکره و گفتگو صورت می‌گیرد. این گفتگو بیشتر جنبه رسمی و دیوان سالار دارد.

طیف گسترده‌ای از تخلفات؛ مثل جرایم مالیاتی یا جرایم صنفی از این مدل تبعیت می‌کنند. نمونه دیگر، در خصوص تخلفات صورت گرفته در محیط کار است. وقتی بازرس اداره کار وارد کارگاهی شده، تخلفی را مشاهده کرد، در گام اول اقدام به دادن اخطار به کارفرما برای اصلاح امور می‌کند. چنانچه در این چهارچوب موفق نشد، آنگاه نسبت به طرح شکایت اقدام می‌کند (همان: ۸۶).

نمونه دیگر، این است که بانک‌ها امروزه برای باز پس گرفتن اقساط معوقه وام‌گیرندگان، بیشتر از مدل «گفتگو» استفاده می‌کنند. این اخطار اولیه جنبه پیشگیرانه نیز دارد. در مدل جبرانی بیشتر هدف اعاده وضع سابق، نه از طریق اصلاح و درمان بلکه از طریق جبران و جذب^(۱۸) مجدد فرد به جامعه است. در حالی که در مدل سزادهی هدف اخراج مجرم از جامعه و طرد^(۱۹) اوست. به این ترتیب، در مدل جبرانی یک سلسله تعهدات و تکالیف مبنی بر اعاده وضع به شرایط مطلوب، به متخلف و مجرم بار می‌شود. در مواردی مدل سزادهی و مدل جبرانی هم‌زمان با هم به اجرا درمی‌آیند.

۲-۲-۴- مدل ترمیمی^(۲۰)

احیای روابط بین افراد که با ارتکاب جرم مختل یا مخدوش شده، هدف این مدل است. در این مدل، کشف حقیقت جرم؛ یعنی توزیع تقصیر و تشخیص سهم مسئولیت هدف نیست. به علاوه، هدف لزوماً جبران خسارت نیست بلکه ترمیم تنش و بحران در روابط است که به دنبال ارتکاب جرم ایجاد شده است. در این

مددکاری و ... در این مدل، شاهد پزشکی - اجتماعی شدن حقوق کیفری هستیم. نمونه بارز رویکرد بالینی این مدل را می‌توان در اعتیاد مشاهده نمود. در این مدل جنبه نمادین چندان اهمیت ندارد، جامعه به این مدل خیلی روی خوش نشان نمی‌دهد و در برابر بسیاری از بزهکاران به ویژه مجرمین جنسی، خشن، تکرارکننده جرم و ... طرفدار شدت عمل و سخت‌گیری کیفری است. این مدل می‌تواند در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا برای برخورد با مخالفان سیاسی نیز مورد استفاده یا به عبارت بهتر بگوییم، سوءاستفاده قرار گیرد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۹-۱۳۸۸: ۸۵). به این ترتیب که مجرمین؛ یعنی در حقیقت ناراضیان و مخالفان سیاسی خود را افراد مبتلا به بیماری روانی (که مبتلا به توهم و هذیان‌گویی شده‌اند) تلقی کرده، به بیمارستان‌های روانی اعزام می‌نمایند. نمونه بارز این جریان در شوروی سابق مشاهده می‌شد که مخالفان سیاسی، ناراضیان سیاسی و دگراندیشان - دگرباشان را بیمار روانی معرفی می‌کردند و آنها را نیازمند درمان ویژه در مراکز درمانی ویژه که تحت نظر وزارت کشور؛ یعنی در واقع پلیس و نهادهای امنیتی قرار داشت، می‌دانستند. این مراکز در واقع در مقام تغییر نحوه اندیشیدن سیاسی - اجتماعی آنان و قرار دادن آنها در «راه راست» برمی‌آمدند.

۲-۲-۳- مدل جبرانی^(۲۱)

در این مدل هدف اعاده وضع به قبل از ارتکاب جرم، علاوه بر جبران خسارت بزه دیده است. این مدل بیشتر به دنبال جبران خسارت زدایی مالی است. در این مدل واکنش به جرم بیشتر از رهگذر

نحوه برگزاری محاکمات، تالار محل برگزاری محاکمات و آرایش داخلی آن، معماری و ساختمان زندان، نحوه انتقال متهم و مجرم از بازداشتگاه و زندان به دادرسا و دادگاه، همه و همه در مدل سزادهی موضوعیت دارد. بازیگران مدل کیفری، همواره در مقام یادآوری و القای قانون و نظم به جامعه هستند. رؤیت مجرم در رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی از جریان محاکمات و اجرای احکام کیفری، برای رساندن این پیام به جامعه است که چرخ‌های عدالت کیفری در حرکت است؛ عدالت کیفری بی‌وقفه جریان دارد و علیه مجرمین کار می‌کند؛ لذا تشریفات آیین دادرسی کیفری، در مدل سزادهی نقش پررنگی در القای این پیام به مردم دارد؛ چون نقش قطعه‌ای از «تئاتر» کیفری را ایفا می‌کنند که در تلاش است نماد عدالت را به سمع و نظر شهروندان برساند. این مدل دو هدف را دنبال می‌کند: نخست، مرعوب کردن مجرم بالقوه و دوم، مرعوب کردن خود مجرم جهت پیشگیری از تکرار جرم.

۲-۲-۲- مدل درمانی-اصلاحی^(۲۲)
در این مدل، برخورد با مرتکب اصولاً هدف بازگرداندن وی به جامعه را دنبال نموده، حقوق کیفری، بیشتر رنگ پزشکی و اجتماعی به خود می‌گیرد. پاسخ به جرم، اگرچه کیفر است اما کارکرد و رسالتی درمانی - دارویی برای آن در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، اعتقاد بر این است که مرتکب ۱۰۰ درصد برای ارتکاب جرم آزاد نبوده است.

در این مدل، شاهد ورود مفاهیم و اصطلاحات بالینی به حقوق کیفری هستیم. با کاربرد اصطلاحاتی؛ مانند معاینه، تشخیص، تجویز، درمان،

مدل، برخلاف مدل سزادهی که پاسخ به جرم جنبه یک‌سویه و عمودی؛ یعنی از بالا (مقام قضایی) به پایین (مجرم) دارد، شیوه پاسخ به جرم به صورت افقی و مرضی‌الطرفین صورت می‌گیرد؛ یعنی قاضی در کنار متهم و شاکی قرار می‌گیرد و آنان را دعوت به صلح و سازش می‌کند. لذا راهکار رسیدن به یک توافق، مذاکره و گفتگوی مستقیم بزهکار و بزه‌دیده (گاه با حضور یک میانجی) خواهد بود. در عدالت ترمیمی اولویت معمولاً با نیازها و خواسته‌های بزه‌دیده است؛ به عنوان مثال، ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری^(۲۱) مقرر نموده در دعاوی که می‌تواند با صلح طرفین خاتمه یابد (جرائم قابل گذشت) دادگاه باید ابتدا در جهت اصلاح ذات‌البین و ایجاد صلح و سازش میان شاکی و متهم تلاش کند. این ماده به قاضی اجازه می‌دهد در صورت رضایت شاکی برای مصالحه وی با متهم و حفظ حقوق بزه‌دیده تلاش کند. اخیراً در جرم‌شناسی بالینی برای بازپروری مجرم از بزه‌دیده نیز کمک می‌گیرند؛ یعنی دخالت و مشارکت دادن بزه‌دیده در فرآیند اصلاح و درمان مجرم که هم بزه‌دیده ترمیم روانی می‌شود، هم بزهکار اصلاح و اصطلاحاً متنبه می‌شود (بزه‌دیده شناسی بالینی در چارچوب درمانگاه یا کلینیک بزه‌دیده) (ر.ک نجفی ابرندآبادی، ۸۷-۱۳۸۶: ۱۰۲)؛ به این معنا که تا به حال در جرم‌شناسی، همواره صحبت از درمان مجرمین بوده است. در مدل ترمیمی، هدف دولت تنش‌زدایی و تعارض‌زدایی حل (رفع) اختلاف در روابط است. هدف، ترمیم روابط بحرانی شده ناشی از جرم است، اما نه از طریق برخورد یک‌سویه، بلکه از طریق مذاکره

و گفتگوی دوسویه و ارائه راهکار حاصل از مذاکرات. هدف، در مدل ترمیمی لزوماً جبران خسارت مادی نیست، بلکه راهکاری است که منجر به ایجاد صلح در خانواده و آرامش در جامعه محلی بشود (نجفی ابرندآبادی، پیشین: ۹۱).

۲-۲-۵- مدل مدیریت ریسک جرم
مدل دیگری که شاید بتوان به مدل‌های پیش گفته اضافه کرد، در واقع مدل مدیریتی است که مبتنی بر میزان ریسک جرم و تکرار جرم گروه یا طبقه‌ای از مجرمین است. در این مدل، آنچه مهم است، کنترل و نظارت بر مجرمین به منظور خنثی‌سازی و توان‌گیری و منزوی کردن و دور کردن آنان از جامعه است. در این مدل، چون نگاه مدیریتی است، کیفر خاصیت یک اقدام تأمینی به خود می‌گیرد، نه وسیله‌ای برای مکافات‌دهی یا سزادهی. لذا نظام داخلی زندان تابعی از درجه حالت خطرناک مجرم است. هر چقدر مجرم خطرناک‌تر محسوب شوند، قاضی طول مدت زندان را در حکم خود به دیگران بیشتر می‌کند، یا از بین قرارهای تأمینی مختلف، موقت صادر می‌کند تا توان و امکان اضرار و تکرار جرم را هر چه بیشتر از متهم و بزهکار بگیرد. در این مدل، اصلاح و درمان یا جبران خسارت جنبه ثانوی پیدا می‌کند (مثلاً بزهکاران مکرر، به عادت یا مزمن).

۳- گونه‌های ضمانت اجرای کیفری در حقوق ایران

در مبحث پیش رو، مجازات‌ها بر اساس نسبت موجود بین آنها یا همان درجه که شامل مجازات‌های اصلی و کیفرهای تکمیلی (تتمیمی) می‌شود؛ همچنین بر حسب موضوع یا ماهیت عینی آنها که شامل اقسام کیفرها؛ از جمله سالب

آزادی، محدودکننده آزادی، مالی، بدنی و... می‌باشد، تفکیک و به‌طور مجزاً مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱- طبقه‌بندی کیفر با توجه به نسبت موجود بین آنها

اصولاً مجازات‌ها با توجه به نسبت موجود بین آنها یا به عبارتی دیگر بر حسب درجه به مجازات‌های اصلی، مجازات‌های تکمیلی (تتمیمی) که خود به دو نوع کیفر تکمیلی اجباری و تکمیلی اختیاری می‌باشد و همچنین کیفرهای تبعی منقسم می‌گردند. در این گفتار هر کدام از این مجازات‌ها را به تفصیل توضیح خواهیم داد.

۳-۱-۱- کیفر اصلی

کیفر اصلی مجازاتی است که قانون‌گذار برای جرم معینی پیش‌بینی نموده و مستقیماً مورد حکم قرار می‌گیرد. این مجازات، ضمانت اجرای خاص اوامر و نواهی قانون جزایی است و اجرای آن مستلزم صدور حکم قطعی دادگاه است که ضمن آن، مجازات از نظر مقدار، نوع و مدت تعیین می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۳۰۲).

مجازات اصلی به سه صورت ممکن است در قانون پیش‌بینی شده باشد:

۱- چنانچه برای یک جرم یک مجازات اصلی تعیین شده باشد، دادگاه باید محکوم‌علیه را به همان مجازات محکوم کند؛ مثل مجازات مرتکب ورشکستگی به تقلب که مرتکب به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌شود.

۲- چنانچه برای یک جرم، دو مجازات اصلی تعیین شده باشد، قاضی باید محکوم علیه را به هر دو مجازات محکوم کند؛ مثل مجازات حبس و جزای نقدی پیش‌بینی شده برای جرم کلاهبرداری.



۳-۲- طبقه‌بندی کیفر بر حسب موضوعات آن

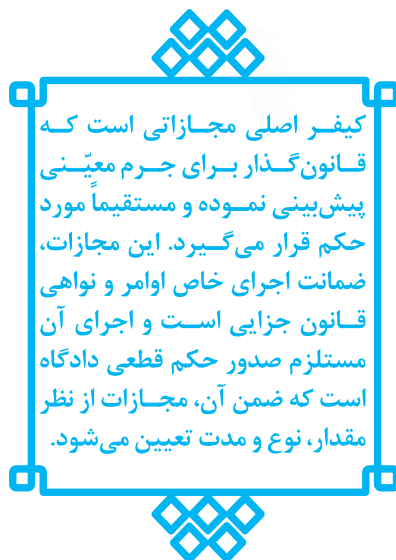
بر این اساس می‌توان مجازات‌ها را به کیفرهای محدودکننده آزادی، کیفرهای سالب آزادی، کیفرهای مالی، کیفرهای محدودکننده فعالیت‌های حرفه‌ای، کیفرهای محدودکننده اعمال برخی از حقوق و کیفرهای لطمه زننده به شهرت تقسیم نمود که در گفتار پیش‌رو هر کدام را به تفکیک توضیح خواهیم داد.

۳-۲-۱- کیفرهای محدودکننده آزادی

گاهی مجازات تحمیلی، آزادی تحرک و جابجایی بزهکار را محدود می‌کند، ولی محکوم‌علیه امکان ادامه زندگی عادی را از نظر خانوادگی و شغلی از دست نمی‌دهد. مصادیق این گونه مجازات‌ها عبارت‌اند از: محرومیت از اقامت در نقطه معین یا اجبار به اقامت در نقطه معین (اردبیلی، پیشین: ۱۶۴) (بند ب ماده ۲۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲)، تبعید^(۲۲) که مدت آن در قانون کشور ما به تفاوت از یک سال^(۲۳) و تا یک سال^(۲۴) و یک سال و بیش از آن (ماده ۲۸۴ ق.م.ا) تعیین شده است، محدود کردن رفت و آمد^(۲۵) در کیفر محدودسازی آزادی با نظارت^(۲۶) ترتیبی می‌دهند تا مرتکب محکوم زیر نظر بازرس جنایی، مأموران مراقبتی یا یک داوطلب (شخصی و غیررسمی) قرار گیرد. ممکن است؛ از مرتکب محکوم بخواهند تا به دوره‌های خاصی مانند درمان می‌خوارگی یا اعتیاد بپیوندند.

۳-۲-۲- کیفرهای سالب آزادی مجازات سالب آزادی، حبس است. حبس یعنی سلب آزادی رفت و آمد از محکوم علیه به موجب حکم قطعی.

پیش‌بینی این مجازات توسط قانون‌گذار، اعمال آنها اجباری است. قانون‌گذار در ماده ۲۵ ق.م.ا. نوعی از مجازات تبعی را نسبت به جرایمی خاص پیش‌بینی کرده که محرومیت از حقوق اجتماعی است (ساوالانی، پیشین: ۲۹۹-۲۹۸).



خدمات عمومی به عنوان نوعی کیفر تبعی امروزه نهادی است که به موجب آن، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای ارتكابی برآید؛ به عبارت دیگر، خدمات عمومی یکی از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و با هدف جبران خسارت از بزه‌دیده و ترمیم نظم مختل شده جامعه به وسیله او از رهگذر انجام یک کار رایگان برای جامعه، مورد حکم قرار می‌گیرد (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۸)؛ بنابراین به موجب دستور خدمات عمومی، بزهکار فرصت جبران خسارت جامعه را به خاطر اشتباهی که مرتکب شده می‌پذیرد و با انجام کاری به نفع اجتماع زندانی نمی‌گردد (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۳- چنانچه برای یک جرم دو مجازات اصلی تخیری تعیین شده باشد، قاضی مخیر است هر کدام را که می‌خواهد مورد حکم قرار دهد؛ مثل مجازات پیش‌بینی شده در مورد تخلف مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی که قانون اجازه داده قاضی حبس یا جزای نقدی را انتخاب نماید (ساوالانی، ۱۳۹۲: ۲۹۵).

۳-۱-۲- کیفر تکمیلی (تتمیمی) گاهی قانون‌گذار علاوه بر تعیین مجازات اصلی، مجازات دیگری در تکمیل مجازات اصلی پیش‌بینی کرده است. اگر قاضی بخواهد مرتکب را علاوه بر مجازات اصلی به مجازات تکمیلی هم محکوم کند، باید مجازات تکمیلی را در دادنامه تصریح نماید. مجازات تکمیلی در قانون به دو صورت ممکن است پیش‌بینی شده باشد.

۳-۱-۳- کیفر تبعی گاهی قانون‌گذار علاوه بر تعیین مجازات اصلی، در خصوص بعضی از جرایم به تبع مجازات اصلی، مجازات دیگری را به بزهکار بار می‌کند، بدون اینکه نیاز باشد این مجازات در حکم قید شده باشد (برخلاف مجازات اصلی و تکمیلی). در واقع این مجازات اثری است که بر محکومیت بزهکار بار می‌شود. پس از اجرای حکم و گذشت مدت تعیین شده در قانون برای مجازات تبعی و رفع آثار محکومیت، بزهکار قانوناً به اعاده حیثیت نائل می‌گردد (اردبیلی، پیشین: ۱۵۷). مجازات تبعی در مورد همه جرایم وجود ندارد، بلکه در مورد برخی از آنهاست که توسط قانون‌گذار پیش‌بینی می‌شود و این امر نشانگر میزان اهمیت آن جرم برای جامعه است که فقط برای آنها مجازات تبعی پیش‌بینی کرده است (آزمایش، پیشین: ۸۱). در صورت



آزادی محکوم‌علیه با نگهداری وی در مکانی به نام زندان از او سلب می‌گردد. بدین ترتیب حبس در اصطلاح حقوق جزا به معنی سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود به طوری که در زمان آن، حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد، آن را توقیف گویند. در ماده ۳ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور آمده است که زندان محلی است که در آن متهمان و محکومان با قرار یا حکم کتبی مقام قضایی موقتاً یا برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسای‌ها و بیماری‌های اجتماعی و تحمل کیفر، نگهداری می‌شوند (صفری، ۱۳۷۵: ۲۲).

۳-۲-۳- کیفرهای بدنی

مجازات بدنی در کشور ما محدود و منحصر به سه نوع مجازات است (اردبیلی، همان: ۱۵۸):

- ۱- سلب حیات (اعدام، قصاص و صلب)
 - ۲- مجازات‌های قطع عضو
 - ۳- مجازات‌های تازیانه (شلاق)
- نکته: قطع عضو در شمار کیفرهای ترذیلی و تریهیبی است و اجرای این قبیل کیفرها هیچ تناسبی با برنامه اصلاحی بزهکاران ندارد (همان: ۱۶۳).

۳-۲-۴- کیفرهای مالی

مجازات‌های مالی در حقوق کیفری ایران شامل جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال می‌باشد. جزای نقدی در زمره مجازات‌های تعزیری اصلی و یا تتمیمی است و عبارت است از الزام محکوم‌علیه به پرداخت مبلغی وجه نقد و به نفع دولت به استناد حکم محکومیت. جزای

نقدی برخلاف دیه، دین نیست که بر ذمه محکوم‌علیه مستقر شود و بتوان پس از فوت از ترکه او استیفا کرد. علاوه بر آن جزای نقدی قابل مصالحه نیست و به مجنی‌علیه یا وارث او تعلق نمی‌گیرد. از طرف دیگر نباید جزای نقدی (غرامت) را با جبران خسارت اشتباه گرفت. چنانچه قانون‌گذار میزان جزای نقدی را در قبال یک جرم به مقداری ثابت و یا با حداقل و حداکثر مشخص تعیین نماید، جزای نقدی ثابت مطرح است (گلدوزیان، پیشین: ۳۲۷). مهم‌ترین عیب این شیوه، تأثیرپذیری جریمه نقدی از نوسان‌های ارزش پول رایج است. جزای نقدی وقتی نسبی است که میزان آن بر اساس و مبنای خاص، محاسبه و معین شود (همان: ۳۲۸).^(۲۷) مصادره یا ضبط اموال عبارت است از: استیلای دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم‌علیه به موجب حکم دادگاه (اردبیلی، پیشین: ۱۷۱).^(۲۸) در مواردی می‌توان حکم به ضبط مال داد که یا مال از جرم تحصیل شده باشد یا وسیله ارتکاب جرم بوده باشد (موضوع ماده ۲۱۵ ق.م.ا) و یا وجود آن ایجاد خطر کند. کیفرهای مالی این مزیت را دارند که مانند زندان، فسادآور نیستند و قدرت ارباب انگیز خود را علی‌رغم تکرار آنها حفظ می‌کنند، حال آنکه قدرت ارباب انگیز زندان، به سرعت ضعیف می‌شود. کیفرهای مالی ممکن است متناسب با درجه شدت خطا یا خسارت وارده باشند. پاره‌ای از جریمه‌ها تناسبی‌اند و به ویژه با میزان مجازات جرایمی که انگیزه آنها سودجویی است یا توسط مجرمینی ارتکاب یافته که «پول پرستند» منطبق است.

۳-۲-۵- کیفرهای محدودکننده فعالیت‌های حرفه‌ای

هدف مهم از ممنوعیت شغلی، پیشگیری از تکرار جرم است که بیش از همه به اقدام تأمینی شباهت دارد. به عنوان مصداق این مجازات می‌توان «انفصال» را نام برد؛ یعنی قطع رابطه استخدامی کارمند یا مأمور دولت با سازمان یا نهاد و تشکیلات دولتی، خواه به طور موقت خواه به طور دائم؛ مانند تعطیل کردن واحد صنفی و لغو یا تعلیق پروانه. خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین ممکن است در اجرای دستور دادگاه، ضمن قرار تعلیق اجرای مجازات و یا اعطای آزادی مشروط، به محکوم‌علیه تکلیف شود که این ممنوعیت تا پایان مدت تعلیق یا آزادی مشروط ادامه دارد. بر اساس ماده ۳۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است، مشروط به اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید (ساواتی، پیشین: ۳۱۵). این نوع از کیفرها در حقوق نوین امروزه، توسعه قابل توجهی پیدا کرده‌اند؛ زیرا نظر طرفداران حقوق جزای سنتی (به لحاظ اثر ترذیلی آنکه محکوم چه از نظر مالی و چه از نظر حیثیتی احساس می‌کند) و هم‌نظر طرفداران اقدامات تأمینی را (به لحاظ نفع اجتماعی که در دور ساختن فرد از حرفه‌هایی که بیم می‌رود با پرداختن به آنها مرتکب جرم شود) جلب نموده است. لیکن جنبه اخیر در چنین ضمانات اجرایی که عموماً به اقدامات تأمینی بیشتر شباهت دارند، برتر می‌نماید. در کیفر «منع انجام دادن شغل خاص»^(۲۹) دادگاه فردی را که مرتکب



جرم کم‌اهمیت شده و این جرم ناشی از شغل فرد بزهکار بوده، به جای اینکه به زندان بفرستد؛ محکوم به ممنوعیت از انجام آن شغل می‌کند. البته نه به عنوان تکمیل و تقسیم مجازات زندان، بلکه به عنوان جانشین این مجازات.

۳-۲-۶- منع اقامت در یک محل معین به مدت معین

هرچند ممکن است به نظر ما این عمل نوعی محدودگر آزادی و مغایر با حقوق بشر باشد، ولی اگر صادقانه قضاوت کنیم فوایدی به مراتب بیشتر از توسل به زندان و حتی تعلیق دارد. در این نوع مجازات جانشین زندان، فرد بزهکار برای مدتی از اقامت در محل معین، بسته به نظر قاضی دادگاه و با توجه به اوضاع و احوال جرم و بزهکار، ممنوع می‌شود.

۳-۲-۷- کیفرهای محدودکننده اعمال برخی از حقوق

محدودیت از حقوق اجتماعی^(۳۰) یا به عبارتی حق یا حقوقی که محکوم‌علیه به موجب حکم دادگاه از داشتن آن محروم می‌گردد، عبارت است از بعضی حقوقی که قانون اساسی برای شهروندان ایرانی به رسمیت شناخته است (اردبیلی، پیشین: ۱۷۴)؛ مانند محرومیت از حقوق اجتماعی. غرض از محرومیت از حقوق اجتماعی دو امر است: یکی اینکه جامعه در امان بماند (حفاظت و صیانت جامعه)، غرض دیگر از اعمال آن، در فرضی که محرومیت از حقوق اجتماعی مجازات تکمیلی یا تبعی باشد، کمک به تأثیر مجازات اصلی است. مجرم ممکن است از کلیه حقوق اجتماعی و یا بعضی از آن حقوق محروم شود و محرومیت از حقوق اجتماعی ممکن است ابدی یا موقتی باشد (باهری، پیشین: ۲۹۵).

در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری^(۳۱)

- منع از صدور چک از طریق ابطال برگه‌های سفید دسته چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری^(۳۲)

- منع از حمل اسلحه مجاز^(۳۳)
- منع از خروج اتباع ایران از کشور^(۳۴)
- اخراج بیگانگان از کشور به صورت موقت یا دائم^(۳۵)

مجازات‌های سالب حقوق برای محکوم‌علیه نوعی مجازات خوارکننده یا خفت آور محسوب می‌گردد؛ زیرا نشانه رسواگری است که در زندگی مدنی، خانوادگی و مالی وی اختلال ایجاد می‌کند. اثر تریبی^(۳۶) آنها گرچه معتدل است اما کمتر قابل اعتراض است.

۳-۲-۸- کیفرهای لطمه زننده به شهرت و حیثیت

اگر در زمان‌های گذشته به اجرای بعضی مجازات‌ها در ملاعام یا به نمایش گذاشتن محکوم در میدان‌های عمومی متوسل می‌شده‌اند، حقوق امروزی نیز ابایی در لطمه زدن به شهرت و مفتضح کردن مجرم ندارد. حقوق جزای امروزی به اعلان و وسایل امروزی اطلاع‌رسانی عمومی که شامل چاپ از طریق درج در روزنامه‌ها و پخش از طریق رسانه‌های سمعی و بصری (رادیو و تلویزیون) می‌شود، متوسل می‌گردد (همان: ۷۲).

رسوا کردن محکوم‌علیه و آبروی او را نزد عام و خاص ریختن، کیفر خاصی است که همواره در متمیم مجازات اصلی، اعتبار اجتماعی بزهکار را تهدید می‌کند؛ مانند اعلان حکم به وسیله نصب پارچه در محل وقوع جرم،^(۳۷) اعلام نام در جراید^(۳۸).

۳-۲-۹- کیفرهای جایگزین

راهکارهای زیادی وجود دارند که می‌توانند جانشین مجازات زندان شوند. در اینجا به بیان این راهکارها می‌پردازیم. باید خاطرنشان شود که هنگام اعمال جانشین‌های مجازات زندان، حقوق و منافع زیان‌دیده از جرم، همیشه باید مورد توجه قرار گیرند.

۳-۲-۹-۱- جریمه^(۳۹)

ضمانت اجرای اساسی که فاقد جنبه سالب آزادی است و همه نظام‌های حقوق کیفری نیز از دیرباز با آن آشنایی دارند. اصلاحات جزایی فعلی، با اجتناب از زندان، به سوی جزای نقدی تمایل پیدا کرده است؛ ولی ایرادی که می‌توان بر این تمایل گرفت، این است که فشار آن بر ثروتمند و فقیر یکسان نبوده و بنابراین ناعادلانه و نابرابر است یا وصول آن، با مشکلاتی مواجه می‌شود. یا اینکه شخص از عهده پرداخت جریمه بر نمی‌آید و در نتیجه کسی که مقصود این بوده که با صدور حکم جزای نقدی، زندانی نشود سرانجام به زندان می‌افتد. برای رفع این مشکل در بسیاری از کشورها؛ از جمله آلمان، سوئد و فرانسه، نظام جزای نقدی روزانه را به کار می‌گیرند؛ یعنی با در نظر گرفتن شدت و جدی بودن بزه، درآمد و وضع مالی شخص و تعداد افراد تحت تکفل محکوم، مبلغ جریمه نقدی را تعیین می‌کنند (مظلومان، ۱۳۹۱: ۲۰۳).

۳-۲-۹-۲- خدمات عمومی^(۴۰)

حکمی است که از سوی دادگاه صادر می‌شود. به برکت آن، به بزهکار این فرصت و بخت داده می‌شود تا با انجام کاری به سود جامعه، ضرر و زیان برخاسته از بزه ارتكابی خود را بر جامعه جبران کند، بی‌آنکه کیفر زندان،



درباره‌اش اعمال شود. اجرای خدمات عمومی شامل همه گروه‌های زندانی نمی‌شود؛ بزهکاران خطرناک از این امتیاز محروم‌اند. چنین حکمی تنها بزهکارانی را در برمی‌گیرد که بزه‌های سبک (درجات ۶ تا ۸) مرتکب شده‌اند و خطری برای جامعه ندارند. برابر پژوهش‌های افکار عمومی، این شکل از خدمات عام‌المنفعه یا کار، متداول‌ترین ضمانت اجرای جایگزین است. همچنین در دستگاه قضایی معمول و رایج است. در ۲۸ کشور از ۴۳ کشور شورای اروپا، روش گرفتن زندانی به کارهای عام‌المنفعه به کار می‌رود (کی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

۳-۲-۳- نظارت مشدد^(۴۱)

در این نوع جایگزین، حبس در خانه با کنترل اجتماعی و الکترونیکی انجام می‌گیرد. هدف اول از این طرح، اصلاح فرد و جلوگیری از هتک حرمت و برچسب بزه زدن به اوست و هدف دوم، تأمین امنیت اجتماعی از راه سلب امکان ارتکاب جرم از محکوم و کاهش فرصت ارتکاب حداقل جرم می‌باشد.

برآمد

با توجه به موارد عنوان شده در مقاله پیش رو این نتیجه به دست می‌آید که مقنن در قوانین کیفری ایران توانسته با توجه به آخرین یافته‌های علم کیفرشناسی، سیاست جنایی تقنینی ایران را به سوی نظام‌مند کردن کیفرها سوق دهد و خلأهای موجود در قانون سابق را تا حدودی برطرف سازد. اگرچه سیاست کیفری اسلام در زمینه مقابله متناسب و کارآمد با رفتارهای مجرمانه، کیفر حدود را به صورت ثابت برگزیده است، لکن در اعمال مجازات‌های تعزیری توانسته است گونه‌های مختلف کیفر را متناسب با اوضاع و احوال مرتکب و شرایط جرم ارتكابی با توجه به یافته‌های اخیر جرم‌شناختی به اختیار قاضی محول نماید. می‌توان برخی از گونه‌های کیفر حدی را غیر از جرایم ذکر شده در نصوص فقهی با استفاده از وحدت ملاک و تنقیح مناط برای جرایم دیگر؛ از جمله جرایم نوظهور نیز استفاده نمود. از جمله مهم‌ترین اهداف مقنن در مقرر نمودن تنوع کیفرها در مجازات‌های تعزیری، اصلاح و بازپروری بزهکار بوده و تنوع مذکور تا حدود زیادی توانسته است خلأهای موجود در کیفرهای ثابت و بدون تغییر منصوص فقهی را پوشش دهد. در واقع فلسفه تشریع نظام کیفری اسلام، تشکیل جامعه سالم بر مبنای سالم‌سازی محیط زندگی و پیشگیری از جرایم است تا بشر در پی آشنایی به وظایف فردی و اجتماعی‌اش، از انجام هرگونه انحرافات خودداری ورزد و در صورت عدم تأثیر این راهکارها، مجازات دنیوی (حدود و تعزیرات) در نظر گرفته شده است تا با برپایی حدود، مصالح بنیادین جامعه پاسداری شود و با اجرای تعزیرات بزهکاران تأدیب و اصلاح شوند.

۳-۲-۳-۴- حکم تأخیری^(۴۲)

در این روش، دادگاه به صدور حکم محکومیت زندان زندانی دست نمی‌زند؛ ولی منتظر می‌ماند تا زندانی محکوم، کاری انجام دهد؛ مانند درمان کردن یا انجام کاری برای قربانی و زیان‌دیده از جرم (مجنی‌علیه) یا برای جامعه. پس از ۶ ماه، اگر قاضی مشاهده کرد که محکوم‌علیه به درمان خود پرداخته است؛ یا کاری و خدمتی برای مجنی‌علیه یا اجتماع انجام داده است؛ و نتیجه‌ها خرسند کننده است؛ آن شخص محکوم به زندان نمی‌شود.

۳-۲-۳-۵- تعلیق مجازات^(۴۳)

در تعلیق مجازات، قاضی مجازات قانونی را تعیین می‌کند؛ لکن در حکم خود قید می‌کند که اگر محکوم‌علیه (بزهکار)، جرم جدیدی را در مدتی معین (مثلاً از ۳ تا ۵ سال بر حسب قوانین کشورهای مختلف) مرتکب نگردد؛ مجازات در موردش اعمال نمی‌گردد. به عبارت دیگر، بزهکار به خاطر عمل غیرقانونی خود محکوم به مجازات می‌شود، ولی اجرای آن معلق می‌ماند. لکن اگر در مدت معین شده در حکم، جرم

جدیدی را مرتکب نگردد؛ حکم وی بلاثر و آثار محکومیت زایل می‌گردد. در نهاد تعلیق مجازات، بدون اینکه قاضی حکم محکومیت صادر کند؛ اعلام محکومیت را مشروط به اینکه محکوم‌علیه تعهد کند که در مدتی معین خود را تحت مراقبت مأمور تعلیق قرار دهد؛ معلق می‌کند.

۳-۲-۳-۶- نظام تعلیق مراقبتی^(۴۴)

نظام «تعلیق مراقبتی» یک نهاد فرهنگی قوی است؛ سازمانی است مستقل در چهارچوب یک نظام کیفری که اگرچه ماهیت وظایف آن قضایی است؛ ولی مسئولان آن نه پلیس‌اند و نه قاضی. تعلیق مراقبتی، تعلیق صدور حکم است و نه تعلیق مجازات. تعلیق مراقبتی در اختیار روانشناسان، جامعه‌شناسان و مددکاران است. شرط سنی و شرایط دیگر در مورد متهم در نظر گرفته می‌شود. استقلال سازمان تعلیق مراقبتی از نظر تشخیص است و نه اعطای آن. اعطای تعلیق با دادگاه است. نظارت غیرپلیسی است (کمیته سیاست کیفری کمیسیون سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری قوه قضاییه).



پی‌نوشت‌ها

۱- جهت مطالعه بیشتر در خصوص سرگردانی سیاست جنایی در ایران رجوع کنید به اثر نگارندگان: موسوی فرد و نوروزیان، لطفی، سیدمحمد رضا، حسین و حیدر؛ **جستاری در سیاست جنایی و سرگردانی سیاست جنایی ایران؛** چاپ ۱، انتشارات امجد وابسته به بنیاد حقوقی مجد، تهران: ۱۴۰۰.

2- Retribution

3- penology

4- Science Penitentiaire

۵- مراد در اینجا مجرمینی هستند که به مجازات مرگ محکوم نمی‌شدند.

6- Beccaria

7- Howard

8- Prins

9- Charles lucas

۱۰- در قانون جزای فرانسه کیفرهایی را که نسبت به جنحه‌ها اعمال می‌شود «کیفرهای تأدیبی یا اصلاحی» «peines correctionnelles» می‌نامند.

11- Sanction

12- Traitement/ treatment

۱۳- در رژیم پیشرفت مرحله‌ای زندان یا رژیم تدریجی (regime progressif) زندانی مراحل مختلفی را که در هر یک فشار از مرحله قبلی کمتر است (از زندان انفرادی کامل گرفته تا نیمه آزادی) هم به عنوان پاداش رفتار شایسته و هم به منظور آماده شدن برای زندگی در خارج از زندان طی می‌کند. این رژیم تا حد زیادی مربوط به سیاست مشهور به «پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران» می‌شد. ر ک: آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرنآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۳، ۱۳۷۵

14- Social regulation

15- Retributive model

16- Rehabilitative model

17- Compensatory model

18- Inclusion

19- Exclusion

20- Restorative model

۲۱- در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه خاتمه پیدا کند، دادگاه کوشش لازم و جهد کافی در اصلاح ذات البین به عمل می‌آورد و چنانچه موفق به برقراری صلح نشود، رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد نمود.

۲۲- دکتر باهری، در خصوص تفاوت تبعید با اقامت اجباری بیان کرده‌اند که: دو تفاوت تبعید و اقامت اجباری در این است که شخص تبعیدی با مستحفظ به محلی که باید تبعید شود اعزام می‌گردد و در آن محل تحت نظر خواهد بود لکن شخصی که ممنوع از اقامت در محلی است و یا اینکه مکلف به اقامت در محلی است بدون مستحفظ از آن محل خارج شده و یا به آن محل می‌رود و در محلی که می‌رود تحت نظر نخواهد بود. (بهری، محمد، **تقریرات درس حقوق جزای عمومی**، تهران: دانشگاه تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۱، ص ۲۹۴)

۲۳- ماده ۲۲۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲

۲۴- ماده ۲۴۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲

۲۵- بند ب ماده ۴۳ و مواد ۶۰ و ۶۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲

26- Limiting the freedom of supervision

۲۷- دکتر گلدوزیان برخلاف نظر اکثریت و همچنین نظر اداره حقوقی قائل به این هستند که: ... برخلاف جزای نقدی ثابت که قابل تخفیف و یا تشدید است جزای نقدی نسبی مشمول کیفیات مشدده و یا مخففه بر حسب مورد نمی‌باشد و مقدار آن بر مبنای قانون، محاسبه و مورد حکم قرار می‌گیرد. ولی بر طبق نظریه شماره ۷/۷۷۴۶ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۴ جز در مورد قاچاق که طبق رأی وحدت رویه امکان تخفیف جرمیه وجود ندارد در سایر موارد با توجه به عموم و اطلاق ماده ۳۷ ق.م.ا دادگاه می‌تواند جزای نقدی را تخفیف دهد و فرقی بین نسبی و ثابت گذاشته نشده است (همان: ۳۲۸).

۲۸- معمولاً ضبط مال در مرحله تحقیق و مصادره اموال با صدور حکم دادگاه است (گلدوزیان، همان: ۳۳۲)

29- Non-performing specific jobs

30- Limitation of rights

۳۱- ماده ۳۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲: منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

۳۲- ماده ۳۲ ق.م.ا: منع از صدور چک مستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته‌چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است.

۳۳- ماده ۳۳ ق.م.ا: منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح است.

۳۴- ماده ۳۴ ق.م.ا: منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است.

۳۵- ماده ۳۵ ق.م.ا: اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود.

36- Afflictif

۳۷- بند ج ماده ۲ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۴۷

۳۸- ماده ۱ قانون تعزیرات حکومتی

39- penalty

40- Public utility services

41- Strict monitoring

42- Payment of damages or compensation

43- Without punishment suspended judgment

44- Probation system

فهرست منابع

۱- اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳
۲- آشوری، محمد، **جایگزین‌های زندان یا حبس یا مجازات بینابین**، نشر گرایش، ۱۳۸۲

۳- آنسل، مارک، **دفاع اجتماعی**، برگردان: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرنآبادی، انتشارات دانشگاه تهران: چاپ ۳، ۱۳۷۵

۴- بابایی، محمدعلی، **مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات**، مجله پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، ۱۳۹۱

۵- باهری، محمد، **تقریرات درس حقوق جزای عمومی**، تهران: دانشگاه تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۱

۶- بولک، برنار، **کیفرشناسی**، برگردان: علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ ۸، ۱۳۸۷

۷- دهخدا، علی‌اکبر، **فرهنگ لغت**، جلد ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶

۸- ساوالانی، اسماعیل، **حقوق جزای عمومی**، انتشارات میزان، تهران: ۱۳۹۲

۹- صفری، محسن، «**مطالعه تطبیقی مصادیقی از سیاست کیفرزدایی در دو گستره ثبوتی و اثباتی**»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۷۵

۱۰- صلاحی، جاوید، **کیفرشناسی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ ۳، پاییز ۱۳۹۲

۱۱- کی‌نیا، مهدی، **مبانی جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶

۱۲- گلدوزیان، ایرج، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۷۸

۱۳- محسنی، مرتضی، **دوره حقوق جزای عمومی پدیده جنایی**، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳

۱۴- مظلومان، رضا، **جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۹۱

۱۵- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **کنترل اجتماعی جرم و واکنش اجتماعی**، تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق، سال ۱۳۸۱

۱۶- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفری**، به کوشش بهروز جوانمرد، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۸-۸۹

۱۷- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **مباحثی در علوم جنایی**، تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، به کوشش شهرام ابراهیمی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱

۱۸- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **بزه دیده شناسی علت شناختی**، تقریرات درس جرم‌شناسی، تهیه و تنظیم: مجید صادق نژاد نایینی، کارشناس حقوق، سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶